



آکچه از صفات حضرت زينب (س) بايد بدانيم

زينب کبری (س) اسود صبر و شجاعت

حميده ذاکري| هرچند معمولاً اين مردان هستند که در ميدان جنگ نقش می‌آفرينند و از آن‌ها به‌عنوان حماسه‌آفرينان ميدان نبرد ياد می‌شود، در واقعه عاشورا اين الگو دگرگون می‌شود و درميان چهره‌های برجسته اين نهضت باشکوه، زنان نيز حضور دارند؛ حضوری که تنها به پشت جبهه و پشتيبانی متوقف نمی‌شود و زنان عاشورا جلوه‌های ماندگاری از حضور را در عرصه‌های مختلف اين نهضت از آغاز تا انجام آن ثبت می‌کنند. حضرت زينب (س) به‌عنوان برجسته‌ترين چهره درميان اين زنان، دارای پررنگ‌ترين نقش در قيام عاشورا است. ايشان به‌عنوان نمونه کامل انسانی و اخلاقی از یک زن مسلمان، در عاشورا حضور یافته‌اند و با ايفا کردن نقششان، حماسه‌ای به قدوقامت حماسه مردان شهيد اين واقعه رقم زده‌اند؛ حماسه‌ای که دارای جنبه‌های بسياری است. می‌توان گفت همه ما به‌نوعی درگير و گرفتار مشکلات فردی و جمعی هستيم؛ مشکلاتی که می‌تواند ما را زمين گير کند و از ادامه راه بازدارد. بدون شک تأسی به سیره اهل بيت^(ع) می‌تواند به ما در ادامه راه و باز يابی خود کمک کند و ما را از اسارت غم و رنج نجات دهد. آنچه از سیره حضرت زينب (س) در کربلا برای ما به يادگار مانده است، نيز در همين راستا، آگاهی‌بخش و نجات‌دهنده است. در ادامه سعی کرده‌ايم به جنبه‌های رفتاری و اخلاقی آن بانوی بزرگوار بپردازيم که می‌تواند به‌عنوان الگو برای ما روشنگر و راهنما باشد.

همراهی با امام حسين^(ع) و صبر بر انجام وظيفه

همان‌طور که می‌دانيم، حضرت زينب (س) در زمان حرکت امام حسين^(ع) با فرزندان خود، امام^(ع) را همراهی کردند و به گفته کارشناسان، اين عمل ايشان نه تنها به واسطه محبت خواهر و برادری که به‌منظور همراهی با امام عصر و ولی خود بود، درباره رفتار ايشان آمده است؛ «او مجد و عظمت را از علی^(ع) گرفت که رتبت و عظمتش به حدی بود که سر بر آسمان می‌سود و جز برای خدا تعظيم نکرد، وقار و هيبت را از مادرش آموخت که ما جلوه‌ای از آن را در واقعه سقيفه می‌بينيم. نرمش قهرمانانه را از برادرش امام مجتبی^(ع) درس گرفت وشجاعت و جرئت درگيری را از حسين^(ع)،

بانوی کربلا؛ زنی عالم و محدث

حضرت زينب (س) پيش از واقعه عاشورا، زنی عالم و اهل فضل شناخته می‌شدند. ايشان یکی از زنان محدث بني هاشم بودند. به گفته سيوطی: «او زنی خردمند و تيزبين بود. خردمندی بود که برای او قدرت ادراک و استنباطی قوی بود». مانند اين سخنان در شأن حضرت زينب (س) نه تنها از ديد شيعيان، بلکه در آثار اهل سنت بسيار است. مرحوم طبرسی می‌گويد حضرت زينب (س) اخبار بسياری از مادر خود نقل کرده‌اند که در تاريخ وجود دارد. همچنين ابوالفرح اصفهانی می‌نويسد: «از او احاديث بسياری باقی مانده، مثل حديث ام‌ايمن، ماجرای فدک و غصب حق فاطمه (س) و رواياتی چون داستان نزول غذای بهشتی برای فاطمه (س) به نقل از محمدبن علی طوسی، داستان دفن پدر، داستان دعای فاطمه (س) برای مؤمنان در نماز شب و...». حضرت زينب (س) روايات بسياری را از پيامبر (ص)، از حضرت فاطمه (س)، از برادرانش، از ام‌سلمه، از ام‌هانی نقل کرده‌اند و بزرگان بسياری از ايشان نقل قول کرده‌اند، مثل امام^(ع) سجاده^(ع)، ابن عباس، عبا... بن جعفر، فاطمه بنت الحسین و....

توکل بر خدا؛ مهم‌ترين درس

غروب روز عاشورا زمانی که جنگ خاتمه یافته است و کشته‌های بني هاشم هريک در سویی از ميدان رها شده‌اند و خيمه‌ها به آتش کينه دشمنان سوخته‌اند، چه چيزی جز توکل بر خدا می‌تواند به زانوان زنی داغدار قوت حرکت بدهد تا اهل حرم را جمع کند و کودکان را از اطراف بيابان نجات دهد و گردهم بياورد؟ حضرت زينب کبری (س) يقين داشتند که خداوند در همه حال نظاره‌گر اعمال بنده‌های خویش است و همچنان که زحمات ايشان را در راه دين می‌بيند، اعمال دشمنان را نيز بدون کيفر ها نمی‌کند و به شهدا و اسرا پاداش می‌دهد که پيش از اين بارها امام^(ع)، آنان را به آن مژده داده است. بدون شک تألمات روحی برای حضرت زينب (س) هم سنگين است، «ولی چون هدف او به بی‌نهايت وصل است، از پای در نمی‌آيد و دچار ستوه و گرفتاری نمی‌شود. می‌داند که خدا شاهد بر اوست و سختی‌هایی را که در راه او تحمل کرده است، می‌بيند».

حفاظت از يادگاران

امام^(ع) تا پای جان

کاروان اسرا در راه است و کودکان و زنان داغدار در فشار و تنگنا هستند. در اين ميان، حضرت زينب (س) است که کمر همت به محافظت از اولاد امام حسين^(ع) بسته است و در اين راه حتی از جان خویش می‌گذرد. شايد سخت‌ترين قسمت مأموريت ايشان، حفاظت از جان حضرت سجاده^(ع) بود. به گفته کارشناسان، دشمن بارها در اين دوران قصد جان امام سجاده^(ع) را کرد و حضرت زينب (س) با شيوه‌های مختلف سعی کردند از جان ايشان محافظت کنند. همچنين در عصر عاشورا وقتی شمر وارد خيمه‌ها شد، امام سجاده^(ع) در بستر بيماری بود و او تصميم به قتل ايشان داشت که زينب (س) امام سجاده^(ع) را در آغوش گرفتند و فرمودند: «به خدا قسم نمی‌گذارم او کشته شود يا مرا هم با او بکشيد»، در مجلس ابن‌زيد بحث‌های زيادی بين امام سجاده^(ع) و ابن‌زيد و زينب (س) درگرفت. سرانجام ابن‌زيد که در تنگنا قرار گرفته بود، به شيوه مستيدان قصد جان امام^(ع) را کرد که دوباره حضرت زينب (س) با ازخودگذشتگی از جان آن حضرت دفاع کردند و خطاب به ابن‌زيد فرمودند: «بس است خون‌هایی را که از ما ريختی! اگر قصد کشتن او را داری، مرا هم با او بکش! به خدا سوگند او کشته نخواهد شد، مگر آن‌گاه که من نيز کشته شوم و ابن‌زيد ساکت شد... در مجلس يزید نيز همين اتفاق برای امام سجاده^(ع) افتاد و يزید خواست امام^(ع) را از دم تيغ بگذراند که دختر علی^(ع)، زينب (س) برخاستند و گفتند: «يزید! زمين را از خون خاندان پيامبر (ص) سيراب کردی، آيا اين تو را کافی نيست؟ و حال می‌خواهی از نسل پيامبر (ص)، کسی بر زمين نماند؟»

مسئوليت و انجام وظيفه

به گفته کارشناسان، یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی حضرت زينب (س) در دوران اسارت، حس مسئوليت و انجام وظيفه‌ای بود که خويشتن را مسئول و موظف به انجام آن می‌ديدند و هيچ‌گاه باوجود رنج‌ها و دردهایی که داشتند، شانه از بار آن خالی نکردند. رمز جاودانگی شخصيت‌های بزرگی چون حضرت زينب (س)، اين است که آن‌ها در سخت‌ترين شرايط هم به وظايف خود عمل کردند. حس مسئوليت بود که زينب (س) را وادار به سخنرانی‌های بليغ و فصيح در کاخ يزید و ابن‌زيد کرد. اگر زينب (س) احساس مسئوليت نمی‌کرد، نمی‌توانست پيام عاشورا را به همگان برساند و رايحه عطر حسيني را در سرزمين شام و کوفه پراکند و فضایی را که حکومت عليه آن‌ها درست کرده بود، به نفع اهل بيت و اسرا تغيير دهد. دفاع از مکتب و انجام وظيفه در آن شرايط بحرانی، کار آسانی نبود. سختی و دشواری‌های فراوانی داشت که دختر علی^(ع) به‌خوبی از عهده آن برآمد و با گام‌های محکم در آن راه پيش رفت.

عبادت خداوند

در سخت‌ترين وضعيت

براساس روايات، هيچ‌گاه تهجد و نماز شب اين بانوی بزرگ ترک نشد. از حضرت سجاده^(ع) نقل شده است: «در شب يازدهم محرم ديدم عمه‌ام به‌صورت نشسته نماز شب خواند؛ زيرا آن همه مصيبت توانش را کاسته بود». نقل شده است که حتی نوافل ديگر زينب (س) ترک نشد و امام حسين^(ع) در هنگام وداع به خواهرشان فرمودند: «خواهرم! مرا در نماز شبت به ياد داشته باش». و همچنين نقل شده است فاطمه، دختر امام حسين^(ع)، فرمود: «در شب عاشورا که همه اصحاب مشغول عبادت بودند، عمه‌ام زينب نيز تا صبح در محراب عبادتش ايستاده و مشغول استغاثه بود»، و باز از امام سجاده^(ع) نقل شده است: «عمه‌ام زينب در مسير اسارت از کوفه به شام، همه فرائض و نوافل خود را به جای می‌آورد و غفلت نداشت، فقط در يکی از منازل، نشسته نماز خواند به دليل شدت ضعف و گرسنگی. معلوم شد سه روز است غذا ميل نکرده است؛ زيرا به هر اسير در شبانه‌روز یک گرده نان می‌دادند و عمه‌ام سهميه خود را بيشتر اوقات به بچه‌ها می‌داد».

شجاعت

و عزت‌نفس مثال‌زدنی

شجاعت و نترسيدن از دشمن همراه با حفظ عزت‌نفس، یکی از سيره‌های بارز اخلاقی حضرت زينب (س) در اين دوران است. حضرت زينب (س) هيچ‌گاه روح مغلوب و شکست‌خورده نداشتند و در تمام مراحل اسارت، تضرع و التماسی از ايشان مشاهده نشد. «زينب (س) قوت روح دارد و ضعف از خود نشان نمی‌دهد... در کوفه هنگامی که ابن‌زيد فهميد او حضرت زينب (س) دختر امام علی^(ع) است، خشمگين شد و گفت: «سياست خدای را که شما را رسوا کرد و بکشت». حضرت زينب (س) درحالی که از نگاهشان حقارت می‌باريد، چنين پاسخ دادند: «سياست خدای را که ما را با خويشاوندی با پيامبر (ص)، گرمی داشت و از آلودگی ميربا ساخت و شخص گناهکار رسوا می‌شود و فاجر است که دروغ می‌گويد و او هم غير از ماست... اين‌زيد که انتظار چنين پاسخی را نداشت و خواست اين پاسخ حضرت زينب (س) را جبران کند، دوباره پرسيد: «کار خدا را درباره خاندان خود چگونه يافتی؟» حضرت زينب (س) بازهم با عزت‌نفس و روحيه‌ای قوی پاسخ دادند: «و ما رأيت الا جميلاً» و آن‌گاه به سرزنش و توبيخ ابن‌زيد پرداختند و فرمودند: «مادرت به عزايت بنشيند که عزيزان ما را کشتی!»، سخنان حضرت زينب (س) در کاخ يزید هم دليل بر شجاعت و روحيه قوی و عزت‌نفس فراوان اين بانوی بزرگوار است. از شهادت زينب همين بس که در موقع چوب زدن يزید به سر و دندان امام حسين^(ع)، قيام کردند و خطبه بليغی خواندند و در خانه يزید، او را «باين الطلاق»، (فرزند آزاد شدگان [به دست پيامبر (ص)]) خواندند و ظلم و ستم‌های او را در ميان جمعيت افشا کردند.

منابع :

- قائمی، علی**، زندگانی حضرت زينب (س)
- مقتل الحسين، المقرم**
- عباسی غريب، محمدعلی**، زينب (س) وشخصيت تاريخی او
- بنت الشاطی، عايشه**، زينب بانوی قهرمان کربلا
- اسماعيلی يزدي، عباس**، سحاب رحمت
- کارگر، نجما**، اخلاق اسارت، بازخوانی الگوی رفتاری حضرت زينب (س) در دوران اسارت